

اخگر به گریبان؛ برگ‌هایی از خاطرات منیر شفیق (۵)

درگیری هادر قطمون

ملاق حسین جابری انصاری مترجم

کتاب «من جمرالی جمر: صفحات من ذکریات منیر شفیق» (به فارسی: از اخگری به اخگری دیگر؛ برگه‌هایی از خاطرات منیر شفیق) نوشته منیر شفیق است. این کتاب توسط ناقد ابوحنسه تدوین شده و مطابق برنامه، بخش‌هایی از ترجمه فارسی آن در این ستون منتشر می‌شود.

نیروهای «جهاد مقدس»، تشکیلات اصلی فلسطینی‌ها در رویارویی با اشغالگران، در آن زمان بود. جنگجویان این تشکیلات، شروع به آمدن به محله ما کردند که به جبهه جنگ تبدیل شده بود. صحنه‌های سه ماهی را که جنگ بین نیروهای مقاومت و صهیونیست‌ها ادامه یافت، خوب به خاطر دارم. شماری از مجاهدین و نیروهای مقاومت در محله ما مستقر شده بودند و از محدوده محله، حفاظت می‌کردند. خانه ما در کنار ویلایی از خانواده «الدجانی» بود که درست در لبه محدوده درگیری قرار داشت. ساکنان این ویلا، به خاطر انفجار ویلای مجاور آن که یک دیوار با ما فاصله داشت، خانه خود را ترک کرده بودند. نگهبانان در پشت سنگرهایی مستقر شده بودند که در باغچه پشت این دیوار وجود داشت. من هم در هوای سرد آن روزها، برای آنها جای و غذا می‌پردم. آنها انسان‌هایی ساده و شجاع، اما بدون نظم تشکیلاتی، و از ذخیره سلاح بسیار کمی برخوردار بودند.

ما پسر بچه‌ها بویژه پس از صدور «قطعنامه تقسیم» در پایان سال ۱۹۴۷، در فضای جنگی زندگی می‌کردیم. بعد، با شدت گرفتن جنگ در سال ۱۹۴۸، مسلح به سلاح سرد شدیم، و یکی چاقو و دیگری خنجر با خود برداشت تا مانع وارد شدن صهیونیست‌ها به محله شود. پدرم، خنجری داشت که به آن «شبریه» می‌گفتم و به من هشدار می‌داد که مبادا انگلیسی‌ها مرا با آن ببینند، چون اگر مرا با این خنجر می‌گرفتند، به زندان می‌انداختند. خنجرهایی که مجاز به حمل آن بودیم، می‌بایست تیغه‌اش، بلندتر از هشت سانتیمتر نباشد. در حالی که تیغه خنجر پدرم، به چهارده سانتیمتر و شاید بیشتر می‌رسید. برای اینکه بتوانم این خنجر را با خود حمل کنم، به اتاقم در زیرپله‌ای خانه رفتم و با سوهان و سنگ چخماق (آتش‌زنه)، به جان تیغه‌اش اقدام و آن را کوتاه کردم. آن قدر با انگشتان خود آن را اندازه گرفتم تا به اندازه مجاز برسد. البته این کار، لباس‌ها و بدن مرا آلوده کرد. به یاد دارم که به اشتباه آن را از غلاف آن بیرون کشیدم، و نزدیک بود بالای انگشت سیابه دست چپ مرا قطع کند. نشانه‌های آن زخم عمیق، تا به امروز باقی است.

برای فلسطینی‌ها ممنوع بود که حتی چاقوی آشپزخانه با خود حمل کنند و اگر همراه آنها یافت می‌شد، سه یا هفت سال زندانی داشت. این موضوع، در ارزیابی آن مرحله باید لحاظ شود. باید اعتراف کنیم که صهیونیست‌ها، «فلسطین» را در سینی طلا از بریتانیایی‌ها گرفتند. خیلی‌ها نقش جنبش صهیونیستی را در گرفتن فلسطین بزرگ‌نمایی و از آموزش و سازماندهی صهیونیست‌ها و اموری از این قبیل، ملخ و ثنا می‌کنند. اما این حقیقت را فراموش می‌کنند که همه مهاجرت‌های یهودیان، زیر سایه حمایت ده‌ها هزار نیروهای اشغالگر بریتانیایی در فلسطین انجام شد. صهیونیست‌ها از بنادر اصلی و با حمایت ارتش «بریتانیا» وارد «فلسطین» می‌شدند و با حمایت سربازان بریتانیایی به شهرک‌های یهودی می‌رفتند. داشتن سلاح، برای فلسطینی‌ها ممنوع بود و اگر در خانه آنها یک فشنگ خالی پیدا می‌شد، آنها را اعدام می‌کردند. خلع سلاح مردم «فلسطین»، قانون اشغالگر بریتانیایی بود، و از این رو هنگامی که مهر امور در سال نکت‌بار اشغال، از دست فلسطینی‌ها خارج شد، به سختی می‌شد سلاح پیدا کرد، آن هم در شمار کم و سلاح‌هایی که بیشتر آنها قدیمی بود و ذخیره فشنگ کمی داشت. با این حال «قدس»، شاهد نبردهای سختی در هنگام جنگ ۱۹۴۸ بود و تا ۱۵ ماه مه، روزی که بریتانیایی‌ها برای خروج نیروهای خود از «فلسطین» تعیین کرده بودند، درگیری‌ها و زد و خوردهایی در جریان بود. روشن بود که با پایان «قیمومت بریتانیا» در زمان تعیین شده، سطح رویارویی‌ها در «قدس» بالا خواهد گرفت. از همین‌رو صهیونیست‌ها پیش دستی کرده و با تسهیلات دریافتی از «بریتانیا» و حمایت جهانی، مناطق گسترده‌ای از «فلسطین» را قبیل از خروج انگلیسی‌ها اشغال کردند. صهیونیست‌ها به فضل کمک‌های «بریتانیا» و حمایت جهانی، امکانات بیشتری از نظر سلاح و آمادگی نظامی داشتند. با این حال، فلسطینی‌ها، قهرمانانه دفاع می‌کردند و در حال پیشروی و پسروی در نبردها بودند. اما در پایان آوریل، «قطمون»، «بقعه تختا» و «بقعه فوق» سقوط کرد و مقامین فلسطینی در «قدس قدیمی»، به تقریب، در محاصره کامل قرار گرفتند. به رغم مقاومت شجاعانه فلسطینی‌ها، صهیونیست‌ها با توجه به استانداردهای نظامی، به سادگی بر مناطق غربی شهر «قدس» سیطره یافتند. در این نبرد، دویست یا حد اکثر سیصد جنگجوی فلسطینی در برابر پیشروی سه هزار جنگجوی صهیونیست و تا ناک‌ها و تجهیزات آنها ایستاده بودند. سه شبانه روز، این رویارویی ادامه یافت تا «قطمون» سقوط کرد. یکی از امتیازات نظامی نیروهای یورش آورده صهیونیست، این بود که از ارتباط سریع با خطوط امداد نظامی صهیونیستی برخوردار بودند. در حالی که نیروهای مقاومت، به لحاظ سلاح، ضعیف، و شمار آنها نیز کم بود و در چنین شرایطی، سقوط قدس جدید برای صهیونیست‌ها چندان سخت نبود.

پیش از پایان روز ۱۵ مه ۱۹۴۸، همه بخش‌های غربی «قدس» به دست صهیونیست‌ها افتاد، اما هنوز نبردی سخت در شرق «قدس» و پیرامون «شهر قدیمی» و دیوارهای ورودی آن ادامه داشت. البته شاید در مکان‌های دیگری از «قدس» هم نبردهایی روی داده باشد که من نشنیده یا آن را فراموش کرده‌ام. من آنها را از حافظه خودم و در پیوند با روز ۲۸ آوریل گفتم که خانواده ما «قطمون» را ترک کرد. البته پدر، به تنهایی در خانه ماند و بعدتر، در جریان اشغال «قطمون»، در شب اول ماه مه، آنجا را ترک کرد. به همین مناسبت این را هم بیفزایم که شماری از حقوقدانان پرونده‌های شکایتی علیه «قیمومت بریتانیا» به خاطر اشغال قدس جدید و مناطق دیگری که مدیریت آن در زمان اشغال برعهده «بریتانیا» بود در دادگاه‌های این کشور اقامه کرده‌اند. اما «قوه قضائیه بریتانیا» از صدور حکم در مسأله روشنی همچون خورشید، می‌گریزد. زیرا «بریتانیا» تا ۱۵ مه ۱۹۴۸، مسئولیت اداره این مناطق را برعهده داشت.

بنابراین هنگامی که از سقوط غرب «قدس» سخن می‌گویم، به این معنا نیست که نبردها و مقاومتی روی نداده است. بی‌تردید فلسطینی‌ها در برابر یورش صهیونیست‌ها، مقاومت و شهدایی نیز تقدیم کردند، اما برتری آشکار، از نظر شمار نیروها و تسلیحات، با دشمن صهیونیستی بود. وقتی صهیونیست‌ها آماده اشغال منطقه‌ای می‌شدند، سه یا چهار گردان و صدها جنگجو را با تانک‌ها و زره پوش‌های در اختیار خود، روانه این منطقه می‌کردند. در حالی که مدافعان فلسطینی منطقه بیش از ده‌ها نفر نبودند. فرماندهی «جهاد مقدس»، به خاطر نبردهای در جریان، از مردم می‌خواست خانه و منطقه سکونت خود را بدون برداشتن وسایل زندگی ترک کنند. گمان آنها این بود که مردم پرزودی به خانه‌هایشان باز خواهند گشت. به هر حال اختلال فاحش و غیرقابل مناقشه‌ای در موازنه قوای دو طرف وجود داشت که خود نتیجه سیطره نظامی «بریتانیا» بر «فلسطین» و نفوذ و سیطره این کشور و فرانسه بر منطقه تجزیه شده عربی و ممنوعیت مسلح‌سازی و در نهادهای موص به هم روزی تسلیح فلسطینی‌ها بود. ضمن اینکه تأسیس رژیم صهیونیستی از حمایت جهانی برخوردار بود.

- سه شنبه ۱۷ خرداد ۱۴۰۱
- سال بیست و هشتم
- شماره ۷۹۲۵

نفرین در ۸۰ سالگی

شیوا حسنی پژوهشگر

تحولات اخیر رژیم صهیونیستی باعث شده دولتمردان این رژیم بشدت نگران وضعیت آینده اسرائیل شوند. در طول حیات ۷۲ ساله رژیم صهیونیستی، معمولاً اندیشمندان و استراتژیست‌های این رژیم نسبت به آینده آن هشدار می‌دادند و بسیاری از آنها کتاب‌ها و مقالات مختلفی درباره فروپاشی داخلی این رژیم نگاشته‌اند؛ اما در چند وقت اخیر دولتمردان اسبق و فعلی صهیونیستی نسبت به فروپاشی این رژیم هشدار می‌دهند. عمده نگرانی آنها نسبت به فروپاشی داخلی است. صهیونیست‌ها اعتقاد دارند رژیم صهیونیستی بر اساس متغیرهای داخلی در آستانه فروپاشی قرار دارد. به نقل از «وبگاه اجتماعی عبری عکا» نخست‌وزیر اسرائیل نفتالی بنت، در تاریخ ۱۳ خرداد سال جاری گفت: «اسرائیل بایک آزمون واقعی روبه‌رو است. شاهد وضعیت بی‌سابقه‌ای است که نزدیک به فروپاشی است و بایک دوراهی تاریخی مواجه شده است.»

بنت در پیامی که در این شبکه اجتماعی پخش شد، افزود: «کشور ما قبلاً دو بار به دلیل درگیری‌های داخلی متلاشی شد؛ اولی زمانی که ۸۰ساله بود و دومی در ۷۷سالگی. ما اکنون در دوره سوم به سر می‌بریم و به دهه هشتم نزدیک می‌شویم. همه ما در برابر یک آزمون واقعی قرار داریم. آیا می‌توانیم کشورمان را حفظ کنیم؟» نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی همچنین بیان کرد: «چند روز پیش نیز ما در حال رفتن به سوی پنجمین کارزار انتخاباتی بودیم که می‌توانست کشور را تجزیه کند. پس از آن، سخت‌ترین تصمیم زندگی‌ام را گرفتم که تشکیل کابینه نجات ملی برای نجات اسرائیل از هرج‌ومرج و بازگردانی آن و شراکت با افرادی بود که نظرات کاملاً متفاوئی با من داشتند.»

«یهود باراک» نخست‌وزیر اسبق رژیم صهیونیستی هم نسبت به آینده این رژیم هشدار می‌دهد. وی در گفت‌وگو با روزنامه عبری‌زبان «یدیعوت آحارانوت» از نگرانی خود درباره نابودی این رژیم خبر داد و گفت که در تاریخ، هیچ حکومت یهودی بیش از ۸۰سال عمر نکرده مگر در دو مورد استثنا. به نقل از یدیعوت آحارانوت، یهود باراک در این خصوص گفت: «در طول تاریخ یهودیت، حکومت یهودیان بیش از ۸۰سال عمر نکرده مگر در دو دوران: دوران پادشاهی داوود و دوران حشمونیان که در هر دو دوره نیز دهه هشتم سرآغاز تجزیه آنها بوده است.»

«بنیامین نتانیاهو» نخست‌وزیر سابق رژیم صهیونیستی هم از جمله افرادی است که رخصوص زوال این رژیم ابراز نگرانی کرده بود. او در تاریخ نهم اکتبر ۲۰۱۷ در جشن «سوکوت» یهودیان گفته بود: «تمامی تلاش خود را برای اینکه اسرائیل صدمین سالروز تأسیسش را ببیند به کار خواهیم گرفت، اما این یک امر حتمی نیست. تاریخ به ما یاد داده که حکومت مردم یهود بیش از هشتاد سال تاکنون دوام نیاورده است که مربوط به دوره حشمونیان است.

شبکه ۱۴ تلویزیون رژیم صهیونیستی به نقل از بنی‌گانتز گزارش داد که وی درباره آینده این رژیم نگران است و هشدار داد فلسطینیان در چند سال آینده سرزمین‌های اشغالی را آزاد خواهند

در آمدی بر چگونگی شکل گیری نیروی مردمی عراق

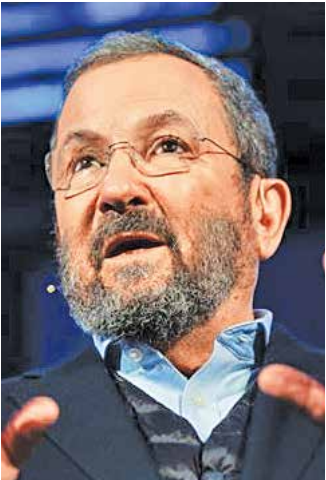
عراق زیر چتر امنیت حشدالشعبی

فانزه سادات یوسفی روزنامه‌نگار

حشدالشعبی که به نیروی بسیج مردمی عراق نیز مشهور است، پس از حمله داعش به این کشور به فتوای حکیمانۀ حجة کفای آیت الله سیستانی مرجعیت شیعه عراقی در شهر نجف و به ضرورت دفاع از خاک و ملت و مقدسات عراق در برابر داعش تشکیل شد. این نیروی شبه نظامی با الهام از بسیج ایران و در کنار ارتش عراق و مستقل از آن، اقدام به مبارزه علیه داعش و نیروهای متجاوز عراقی می‌کند.

پس از حکم و فتوای آیت الله سیستانی در تاریخ ۲۰ ۲۰۱۴ (۲۳ خرداد ۹۳)، ابومهدی المهندس همراه با حاج قاسم سلیمانی و فرماندهان سپاه بدر که در کنار قوای ایران با صدام می‌جنگیدند - جلسه‌ای در منزل شخصی خود در بغداد تشکیل می‌دهد. این جلسه سرآغاز شکل گیری هسته حشدالشعبی شد و طی آن میلیون‌ها (صدها هزار) نیروی مردمی که آماده یا به طور پراکنده در حال مبارزه با داعش بودند به آن پیوستند. حشد در زبان عربی، به معنای جماعت و گروه است و الشعب نیز در عربی معاصر به معنای گروهی از مردم با مشترکاتی خاص است که در نهایت حشدالشعبی به معنای بسیج مردمی شناخته می‌شود.
شکل گیری این نیروها در شرایطی بود که داعش با تصرف فلولجه، سامرا و مناطق گسترده‌ای از استان های سنی نشین صلاح الدین، الانبار، نینوا و همچنین شمال بابل و در نهادهای موص به هم روی قدمی بغداد رسیده بود. این تصرفات، آینده سیاسی

گزارش «ایران» از اعتراف دولتمردان صهیونیستی نسبت به آینده سیاه این رژیم



ایهود باراک

ذخیره ارتش اسرائیل گفته است: «اسرائیل در امر تحقق رؤیای صهیونیست‌ها شکست خورده است و در مسیر از دست دادن آن است.» «آری شایویت» خبرنگار اسرائیلی هم می‌گوید: «اسرائیل نفس‌های آخر را می‌کشد.» «جدهون لیوی» نویسنده صهیونیستی هم گفته است: «کسی نمی‌تواند فرایند نابودی داخلی اسرائیل را متوقف کند. این بیماری سرطانی به مراحل آخر خود رسیده و هیچ راهی برای درمان آن نیست.» «بنی موریس» مورخ اسرائیلی هم در این باره تأکید کرده است: «خورشید اسرائیل بزودی غروب خواهد کرد و شاهد انحلال و فرو رفتن آن در گل ولای خواهیم بود. در سال‌های آینده اعراب و مسلمانان پیروز خواهند شد و یهود به اقلیتی در این سرزمین تبدیل خواهد شد که یا فرار می‌کنند و یا کشته می‌شوند.

بر اساس نظرسنجی به عمل آمده توسط روزنامه صهیونیستی «اسرائیل هیوم» ۶۹ درصد شهرک‌نشینان صهیونیستی نسبت به سرنوشت رژیم متبوع خود نگران و بی‌امان هستند. این نظرسنجی همچنین نشان داد که ۶۶ درصد از آنان به پولیس اشغالگر اسرائیل اعتماد ندارند. نظرسنجی دیگر به عمل آمده توسط جنبش بنیما نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از خواستار زوال هویت یهودی است افزایش یافته و کنترل آن را عمدتاً احزاب مخالف در دست دارند. این گزارش می‌افزاید: با توجه به روند گفت‌وگوهای داخلی به نظر می‌آید مذاکرات به بن‌بست خورده و بنی‌گانتز معتقد است آینده و ادامه کار کابینه اسرائیل جای نگرانی دارد.

براین اساس محورهای مختلفی را می‌توان به‌عنوان عوامل فروپاشی این رژیم بررسی کرد: ۱- بحران در تشکیل دولت: صهیونیست‌ها بعد از ۴ دور برگزاری انتخابات، نتوانستند در آستانه پنجمین دوره برگزاری انتخابات مجدد پارلمانی، دولت ائتلافی شکنده تشکیل دهند؛ دولتی که متشکل از احزاب است و کاملاً یک دولت سست و در آستانه فروپاشی است و با کوچک‌ترین تحول در سرزمین‌های اشغالی، فرو می‌پاشد.

۲- مهاجرت معکوس: طبق آخرین نظرسنجی‌های صورت گرفته، بسیاری از صهیونیست‌ها به دنبال بازگشت به کشورهای مبدأ خود هستند. امروزه یکی از مسائل اصلی در بین صهیونیست‌ها داشتن گذرنامه کشور ثانی می‌باشد. بسیاری از صهیونیست‌ها به دنبال گذرنامه‌ای بجز گذرنامه جعلی صهیونیستی هستند. تنها در سال ۲۰۱۰ میلادی ۲۳۰ هزار

http://irannewspaper.ir

editorial@irannewspaper.ir



بنیامین نتانیاهو

دولت رژیم صهیونیستی موقعیت برجسته‌ای یافته‌اند. برخی از تحلیلگران معتقدند شکاف میان سفاردی‌ها و اشکنازی‌ها بیشتر اقتصادی است تا ایدئولوژیک و به همین دلیل قابل پر کردن است، اما عده‌ای دیگر معتقدند این نابرابری نه‌آدینه شده است، به‌گونه‌ای که نسل سوم سفاردی‌ها هنوز جزو طبقه کارگر و طبقات پایین هستند، درحالی‌که همین نسل اشکنازی‌ها به طبقات متوسط روبه بالا تعلق دارند. برخی از رهبران رژیم صهیونیستی، یهودیان سفاردی را قرون‌وسطایی نامیده‌اند که فاصله بسیار زیادی با یهودیان اشکنازی دارند. حتی اشکنازی‌ها، سفاردی‌ها را از نظر عقلی، عقب‌مانده می‌نامند. سفاردی‌ها و اشکنازی‌ها یکدیگر را نجس‌زاده می‌شمارند و ازدواج با یکدیگر را ممنوع می‌دانند. ۴- بحران جمعیت: بحران جمعیت در رژیم صهیونیستی یکی از عوامل اصلی نگرانی‌های آن می‌باشد. نرخ رشد جمعیت فلسطینی‌ها بشدت در مقابل صهیونیست‌ها در حال افزایش است. جمعیت عرب ساکنن مرزهای ۱۹۶۷، ۶ میلیون است و جمعیت یهودی‌ها در سال ۲۰۲۱، ۶٫۹ میلیون نفر برآورد شده است. در حال حاضر شاهد نبرد جمعیتی و عبور تعداد اعراب نسبت به یهودیان در سراسر سرزمین فلسطین تاریخی از ۲۰۱۳ خواهیم بود. با توجه به رشد جمعیتی، این فاصله تا ۲۰۳۰ به نیم میلیون نفر هم خواهد رسید. براساس آمار در پایان سال ۲۰۲۱ جمعیت کل فلسطینی‌ها به ۱۴ میلیون نفر رسید که طبق قاعده نوشته سال‌های اخیر، سهم فلسطینی‌های بیرون سرزمین و سهم جمعیت فلسطینی‌های درون سرزمین تاریخی فلسطین (کل فلسطین اعم از کرانه باختری، نوارغزه و سرزمین‌های اشغالی) تقریباً برابر است. براساس آمار، ۶٫۹ میلیون نفر در داخل و ۷٫۲ میلیون نفر در خارج زندگی می‌کنند که در مجموع به رقم ۱۴ میلیون نفر می‌رسد.

در پایان عوامل مختلف داخلی دیگری از جمله افزایش مقاومت فلسطینی‌ها در برابر صهیونیست‌ها، نزاع سکولارها و مذهبی‌ها در بین صهیونیست‌ها، ناامنی داخلی، چالش‌های نظامی و... را می‌توان ذکر کرد. اعتراف دولتمردان صهیونیستی نسبت به آینده این رژیم در کنار نظرسنجی‌های صورت گرفته و چالش‌های مختلف داخلی، می‌تواند تصویری روشن از این رژیم را منعکس کند.



نفتالی بنت

صهیونیست از فلسطین اشغالی به کشورهای مبدأ مهاجرت کردند. آمارها حاکی از این واقعیت هستند که صهیونیسم از سال ۱۹۴۸ تا ۲۰۱۶ ضمن اشغال حدود ۸۵ درصد از اراضی فلسطین بالغ بر ۵ میلیون یهودی را به این مناطق جذب کرده است؛ این درحالی است که در روند مهاجرت معکوس و خروج صهیونیست‌ها از فلسطین اشغالی بیش از ۲۰ درصد از آنها در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۶ تحت شرایط مختلف مهاجرت معکوس کرده و به کشورهای اصلی خود بازگشته‌اند. به همین دلیل است که به زعم کارشناسان و اندیشمندان، در شرایط کنونی روند روزافزون مهاجرت معکوس یهودیان از اسرائیل است. بنا بر تعریف این رژیم، مهاجران معکوس کسانی هستند که به هر دلیلی بیش از یک سال است از فلسطین اشغالی خارج شده‌اند و در کشور دیگری به سر برده‌اند.

۳- شکاف قومی و طبقاتی: یکی از مهم‌ترین شکاف‌هایی که در سال‌های اخیر جامعه اسرائیل را به سمت نوعی نارضایتی و بی‌ثباتی سوق داده است، «تبعیض قومی- طبقاتی» است. جامعه صهیونیستی از دو گروه عمده تشکیل می‌شود که اشکنازی و سفاردی نامیده می‌شوند. سفاردی‌ها یهودیانی هستند که در شبه‌جزیره «الپیرا» شامل اسپانیا و پرتغال می‌زیستند و پس از سقوط خلافت اسلامی اندلس در سال ۱۴۹۲ میلادی، از آن کشور گریختند و در جنوب اروپا، شمال آفریقا و شهرهای لندن، آمستردام و هامبورگ سکونت گزیدند. امروزه واژه سفاردی از نظر معنایی توسعه‌یافته و تمامی جوامع یهودیان شامل آفریقا، عراق، سوریه، یونان، ترکیه و سایر یهودیان (غیر اشکنازی) را شامل می‌شود. اشکنازی‌ها نیز گروه قریتمند دیگر اسرائیل هستند. واژه اشکناز نام عبری آلمان است و بنابراین اشکنازی در اصل به‌معنی یهودی آلمانی است که به‌تدریج بر همه یهودیانی که از تمام اروپا و امریکا به فلسطین آمدند، اطلاق شد. بین سفاردی‌ها و اشکنازی‌ها دشمنی دیرینه‌ای وجود دارد؛ چرا که سفاردی‌ها اشراف یهود بودند و از اینکه با اشکنازی‌ها هم‌محل شوند، احساس شرم می‌کردند و همواره سعی داشتند فاصله خود را با اشکنازی‌ها حفظ کنند و با آنان عبادت یا ازدواج نمی‌کردند؛ اما بعدها وضعیت کاملاً برعکس شد. درحالی‌که سفاردی‌ها تبدیل به اقلیت شده‌اند، اشکنازی‌ها در تمدن غربی و همچنین



دستورالعملی حکومتی در ۲۴ فوریه ۲۰۱۶ (۵ اسفند ۹۴) در آخرین ماه‌های جنگ با گروه‌های تروریستی داعش از الحشد الشعبی به عنوان نیروی مستقل و زیر نظر فرماندهی نیروهای مسلح عراق یاد کرد. بعد از آن پارلمان عراق در آذر ۱۳۹۵ تصویب کرد که این نیروی مردمی بدون هیچ گونه تناقض قانونی در کنار ارتش و نیروهای مسلح به فعالیت خود در مبارزه با گروه‌های تکفیری داعش ادامه خواهد داد. بعد از صدور این قانون در عمل این تشکیلات امنیتی عراق به برخوردار شدند. در حال حاضر آن نیز از حقوق و پاداشی متناسب با نیروهای عملکر در حشدالشعبی برخوردار شدند. در حالی حاضر و فعالیت‌های مردمی از حیث حقوقی، تمامی شرایط قانونی لازم را در عراق به دست آورد و نیروهای امنیتی عراق در حقوق و پاداشی متناسب با نیروهای عملکر در حشدالشعبی پرداخته است و در محکومیت حملات امریکا به این نیروها طی بیانه‌هایی از دولت عراق خواسته است تا به این حملات پاسخ دهند و اقدامات لازم برای تکرار نکردن آن را اتخاذ کنند.
مشروعیت سیاسی حشدالشعبی
حیدر العبادی نخست وزیر سابق با صدور

الحسین (ع)، تپب رزمی ابوالفضل العباس (ع) (تولیت مقدس ابوالفضل العباس (ع)) دوگنان مهم دیگر وابسته به حشد الشعبی به شمار می‌روند که در ایام زیارت‌های میلیونی در کربلا و دیگر عتبات مقدسه عراق، در حفاظت از زائران و شهرهای مقدس نقش ایفا می‌کنند.
تفوحات حشدالشعبی

نیروهای عراقی پس از شکل گیری، ضربات محکمی را بر تروریست‌ها وارد کردند و نتوانستند بخش‌های مهمی از سرزمین‌های عراق را از تروریست‌ها پس بگیرند. نیروهای حشدالشعبی در ابتدا در عملیات مهمی شهر تکریت را پاکسازی کردند. پس از آن، نیروهای عراقی توانستند منطقه البغدادی در استان الانبار را هم تحت کنترل در آورند و ضربه دیگری بر داعش وارد نمایند. از دیگر عملیات موفقیت‌آمیز، شکستن محاصره سامرا و امرلی و آزادسازی جرف الصخر (که بعدها به جرف النصر شهرت یافت) و بیجی و جنوب موصل و فلولجه و دیگر مناطق بویژه در دواسنح صلاح الدین و الانبار است و در عملیات‌های مهمی از جمله لبیک یارسول‌الله در غرب الانبار هم شرکت داشته است. این نیرو در حال حاضر نیز به طور پراکنده با داعش مبارزه می‌کند. گروه‌های مقاومت در ذیل گروه حشدالشعبی پیش از شکل گیری آن، با نیروهای امریکایی مستقر در عراق بعد از سقوط صدام، در حال مبارزه بودند. این نیروها تا امروز با حملات و پایگاه‌ها و نیروهای امریکایی خصوصاً حملات موشکی و پهپادی به این پایگاه‌ها به پشتوانه قانون خروج امریکا از عراق